

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان شناسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان شناسی گرایش همگانی

عنوان پایان نامه:

بررسی شفافیت و تیرگی معنایی در واژه‌های غیر بسیط زبان فارسی

استاد راهنما:

دکتر آرزینا افراشی

استاد مشاور:

دکتر فریبا قطره

پژوهشگر:

حمید رضایی

شهریور ۱۳۹۰

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده زبان‌شناسی

هیات داوران در تاریخ.....

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی گرایش همگانی آقای حمید رضایی

تحت عنوان:

بررسی شفایت و تیرگی معنایی در واژه‌های غیربسیط زبان فارسی

را بررسی کردند و پایان‌نامه با درجه‌ی به تصویب نهایی رسید.

- ۱- استاد راهنمای پایان‌نامه سرکار خانم دکتر افراشی با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا
- ۲- استاد مشاور پایان‌نامه سرکار خانم دکتر قطره با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا
- ۳- استاد داور داخل گروه دکتر با مرتبه‌ی علمی امضا
- ۴- استاد داور داخل گروه دکتر با مرتبه‌ی علمی امضا
- ۵- استاد داور خارج از گروه دکتر با مرتبه‌ی علمی امضا
- ۶- استاد داور خارج از گروه دکتر با مرتبه‌ی علمی امضا

امضای مدیر گروه

به یاد

معلم بزرگ زندگیم

مادرم

که روح امید و تلاش

را در من پرورانده است.

تقدیر و تشکر

پژوهش حاضر به هدف بررسی شفافیت و تیرگی معنایی و صرفی در واژه‌های غیربسیط فارسی صورت گرفته است.

از استاد بزرگوارم خانم دکتر افراشی به خاطر قبول راهنمایی این پژوهش کمال تشکر را دارم، نکات راه‌گشا و تذکرات به‌جا و راهنمایی دقیق و دلسوزانه‌ی ایشان در پیشبرد پژوهش حاضر انکارناپذیر است که با صبر و حوصله اینجانب را راهنمایی می‌کردند.

کلاسهای ساخت زبان فارسی استاد بزرگوارم خانم دکتر قطره و مباحثی که در این کلاسها مطرح می‌شد و نوع نگاهی که ایشان نسبت به زبان‌شناسی داشت، انگیزه و علاقه‌ی بسیار را برای پرداختن به مسائل این حوزه در من به‌وجود آورد و همچنین در مقام مشاور که با نهایت صبر و حوصله نکات ارزنده‌ای را گوشزد می‌کردند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

از استاد ارجمندم دکتر عاصی در مقام مدیر گروه زبان‌شناسی و نیز به خاطر کلاسهای پربار زبان‌شناسی رایانه‌ای کمال تشکر را دارم.

از استاد ارجمندم دکتر دبیرمقدم به خاطر کلاسهای دستور گشتاری که با صبر و حوصله فراوان همواره مایه دلگرمی من بوده و هست، بی‌نهایت سپاسگزارم.

از استاد بزرگوارم خانم دکتر کلباسی به خاطر کلاسهای گویش‌شناسی کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از استاد ارجمندم دکتر مدرسی به خاطر صبر و حوصله باور نکردنی در تدریس واج‌شناسی کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از استاد بزرگوارم دکتر صفارمقدم به خاطر تدریس اصول دستور زبان کمال تشکر و قدر دانی را دارم.

در ضمن از دوست و همکار محترم دکتر میرمحمدی کمال تشکر را دارم که در تایپ نکات مفید و ارزنده‌ای را گوشزد کردند.

در پایان با وجود تمام راهنماییها و نکات ارزنده اساتیدم، کلیه نقصها و کمبودهای این پژوهش مستقیماً و تماماً از آن نگارنده است. امیدوارم این پژوهش انگیزه‌ای برای انجام تحقیق‌های بعدی در این حوزه باشد.

چکیده

شفافیت و تیرگی موضوعی قابل بررسی در فصل مشترک حوزه‌های صرف، معنی‌شناسی و نحو است. زبان‌شناسان در مطالعات خود به شفافیت و تیرگی معنایی و صرفی در واژه‌های مرکب پرداخته‌اند، اما در این میان، واژه‌های مشتق و مشتق-مرکب کمتر مورد توجه قرار گرفته است و حتی می‌توان گفت که در این باره در زبان فارسی مقاله و پژوهشی جامع صورت نگرفته است. انتخاب موضوع این پژوهش نشانگر ضرورت تحقیق در این زمینه است. نگارنده ابتدا واژه‌های مشتق، مرکب و مشتق-مرکب را از فرهنگ دو جلدی سخن انوری استخراج کرده است و سپس از کلمات استخراج شده صد واژه را به طور تصادفی انتخاب و پس از تحلیل و بررسی تکواژهای قاموسی، پیشوندها و پسوندها رابطه‌ی معنایی و صرفی بین اجزا آنها را شناسایی کرده است. از این رهگذر نتایجی به دست آمد که در جای خود بسیار حایز اهمیت است، از جمله این که اگر چه در برخی واژه‌های غیربسیط هر دو تکواژ در معنی اولیه بکار رفته‌اند، اما با این حال واژه شفاف نیست. در این پژوهش چندین دلیل برای شفافیت و تیرگی مطرح شده است. از جمله این دلایل عبارتند از: مفهوم کانونی، اصل ترکیب‌پذیری معنایی، تجزیه‌پذیر بودن واژه، کلمات قابل قیاس، افزایش و کاهش معنایی، رابطه‌ی استعاری. این پژوهش در پنج فصل تدوین شده است که به ترتیب عبارتند از: کلیات، پیشینه‌ی پژوهش، مبانی نظری، تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری. پژوهش حاضر گام کوچکی است برای مطالعات بعدی در زمینه شفافیت و تیرگی صرفی و معنایی واژه‌های مشتق و مشتق-مرکب. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در زمینه‌ی فرهنگ‌نویسی، واژه‌گزینی و نیز در آموزش زبان مورد توجه قرار گیرد. توجه به شفافیت و تیرگی در سطح واژه‌ها در واژه‌سازی به ویژه ساخت آگاهانه آن به طوری که از سوی متخصصان و به‌ویژه فرهنگستان زبان صورت می‌گیرد، حایز اهمیت است. نوآوری پژوهش حاضر در این امر است که تاکنون پژوهشی چه در قالب مقاله یا پایان‌نامه صورت نگرفته است که به شکلی یک‌پارچه مسئله‌ی شفافیت و تیرگی معنایی را در سطح تمام واژه‌های غیربسیط در فارسی مورد توجه قرار داده باشد. کلید واژه‌ها و مفاهیم بنیادی این پژوهش عبارتند از: شفافیت، تیرگی، واژه‌ی مشتق، واژه‌ی مرکب، واژه‌ی مشتق-مرکب و اصل ترکیب‌پذیری معنایی، معنی اولیه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ج	تقدیر و تشکر.....
ح	چکیده.....

فصل اول: کلیات

۲-۱-۱	مقدمه.....
۴-۲-۱	پرسشهای پژوهش.....
۴-۳-۱	فرضیه‌های پژوهش.....
۴-۴-۱	ضرورت انجام پژوهش و اهداف.....
۵-۵-۱	روش انجام پژوهش و قلمرو پژوهش.....
۵-۶-۱	روش و ابزار گردآوری داده‌ها.....
۶-۷-۱	جنبه نوآوری پژوهش و کاربردهای پژوهش.....
۶-۸-۱	مفاهیم بنیادی.....
۹-۹-۱	محدودیت‌های پژوهش.....

فصل دوم: پیشینه پژوهش

۱۱-۱-۲	مقدمه.....
۱۱-۲-۲	پیشینه مطالعات درباره‌ی تیرگی و شفافیت در ایران.....
۱۱-۲-۲-۱	باطنی (۱۳۵۶).....
۱۳-۲-۲-۲	طباطبایی (۱۳۷۶).....
۱۳-۳-۲-۲	افراشی (۱۳۷۸).....
۱۵-۴-۲-۲	رئوف مقدم (۱۳۷۹).....
۱۶-۵-۲-۲	سجادی (۱۳۸۲).....
۱۶-۶-۲-۲	غفاری (۱۳۸۲).....
۲۱-۷-۲-۲	صفوی (۱۳۸۳).....
۲۲-۸-۲-۲	میرعمادی و مجیدی (۱۳۸۶).....

۲۴.....	۹-۲-۲- ارغوانی (۱۳۸۸).
۲۴.....	۱۰-۲-۲- سبزواری (۱۳۸۸).
۲۵.....	۳-۲- مطالعات غیرایرانی درباره‌ی تیرگی و شفافیت.....
۲۵.....	۱-۳-۲- اولمان (۱۹۶۲).
۲۷.....	۲-۳-۲- کروز (۱۹۹۵).
۲۸.....	۳-۳-۲- بائر (۱۹۹۶).
۲۹.....	۴-۳-۲- بنجابالا و دیگران (۲۰۰۰).
۳۰.....	۵-۳-۲- لیبن (۲۰۰۱).
۳۱.....	۴-۲- جمع بندی.....

فصل سوم: مبانی نظری

۳۵.....	۱-۳- مقدمه.....
۳۵.....	۲-۳- معنی اولیه.....
۳۶.....	۳-۳- معنی ثانویه (معنی مجازی).....
۳۷.....	۴-۳- دلالت برون زبانی (مصدافی).....
۳۹.....	۵-۳- همنشینی معنایی.....
۴۰.....	۶-۳- جانشینی معنایی.....
۴۰.....	۷-۳- واژه.....
۴۲.....	۱-۷-۳- ساختمان واژه.....
۴۲.....	۱-۱-۷-۳- واژه‌های بسیط (ساده).....
۴۲.....	۲-۱-۷-۳- واژه‌های غیربسیط (غیرساده).....
۴۳.....	۱-۲-۱-۷-۳- واژه‌های مشتق.....
۴۳.....	۲-۲-۱-۷-۳- واژه‌های مرکب.....
۴۴.....	۳-۲-۱-۷-۳- واژه‌های مشتق- مرکب.....
۴۴.....	۸-۳- انگیزش واژه.....
۴۵.....	۱-۸-۳- شفافیت آوایی.....
۴۵.....	۲-۸-۳- شفافیت صرفی.....
۴۶.....	۳-۸-۳- شفافیت معنایی.....
۴۸.....	۹-۳- تیرگی معنایی.....
۴۹.....	۱۰-۳- اصل ترکیب پذیری معنایی.....

فصل اول:

کلیات

حوزه‌ی صرف از یک سو به شکل‌گیری واژه‌ها از اجزای سازنده‌ی آنها یعنی تکواژها و از سوی دیگر به چگونگی همنشینی واژه‌ها در ساخت‌های واژگانی بزرگ‌تر می‌پردازد؛ به بیان دیگر، صرف آن بخش از دستور زبان است که با ساخت درونی واژه‌های غیربسیط سروکار دارد (درزی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). مدتها قبل از آنکه زبان‌شناسی به عنوان یک رشته‌ی علمی شکل گرفته باشد، متفکران به اهمیت معنا پی برده بودند و این مهم هزاران سال مسئله‌ی اصلی فلسفه قلمداد می‌شد. نتایج پژوهش در باب معنی حاصل کار دانشمندان مختلفی از جمله افلاطون و ارسطو در یونان باستان گرفته تا برتراند راسل در قرن بیستم بوده است (بروگمن^۱، ۱۹۸۸: ۱۵۶).

چگونگی دلالت لفظ بر معنی یک مسئله‌ی فلسفی قدیمی است که زمان پرداختن به آن به منازعه میان طبیعیون و قراردادیون باز می‌گردد. البته با انتشار آرای فردینان دوسوسور در قالب کتابی که پس از مرگش منتشر شد به نام *دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی*^۲، این منازعه به نفع قراردادیون ختم شد و ماهیت قراردادی دلالت لفظ بر معنی از سوی زبان‌شناسان پذیرفته شد؛ تا اینکه تقابل میان شفافیت^۳ و تیرگی^۴ در فصل مشترک صرف و معنی‌شناسی مورد توجه قرار گرفت و به‌ویژه از سوی اولمان^۵ در مقاله‌ی «معنی‌شناسی» مجدداً طرح شد.

یکی از ملاک‌هایی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی رعایت آن را در واژه‌گزینی لازم می‌داند، شفافیت است و چیزی که از این ملاک عموماً فهمیده می‌شود، شفافیت معنایی است؛ به این معنی که در واژه‌های نو ساخته و نوگزیده‌ی غیربسیط تک‌تک اجزای آنها باید معنی‌نما باشند. این ملاک تمایلی را در گروه‌های واژه‌گزینی فرهنگستان پدید آورده است تا به سراغ عنصرهای زنده زبان بروند و با استفاده از آنها واژه‌گزینی کنند. روی آوردن به عنصرهای زنده‌ی زبان باعث شفافیت معنایی واژه‌های نوساخته می‌شود و عمر آنها را طولانی می‌کند؛ به بیان دیگر، شفافیت معنایی با ثبات معنی همراه است. دیگر اینکه واژه‌ها و عنصرهای زبان‌های مرده‌ی ایرانی شفافیت

^۱ C. Brugman

^۲ cours de linguistique generale

^۳ transparency

^۴ opacity

^۵ S. Ullmann

معنایی ندارند و به همین دلیل می‌توان معنای تازه‌ای بر آنها بار کرد. گاهی نیز تیرگی این واژه‌ها و عنصرهای زبانی به اندازه‌ای است که هیچ ارتباطی با زبان‌های زنده‌ی روز و نیز با علم گذشته و حال ندارد و هیچ معنای فرهنگی را در ذهن تداعی نمی‌کنند (مه‌ریار، ۱۳۸۲: ۴۳).

مهمترین تفاوت میان ترکیب‌ها در میزان شفافیت آنهاست، معمولاً واژه‌های مرکب، شفاف‌تر از واژه‌های مشتق هستند و کودکان واژه‌های شفاف را زودتر از واژه‌های تیره می‌آموزند (باطنی، ۱۳۵۶: ۳۱). کودکان به هنگام ورود به دبستان تعداد زیادی از واژه‌ها را می‌شناسند اما برخی از آنها را در گفتار روزمره به کار نمی‌برند؛ ولی مفهوم آنها را می‌دانند. در دبستان کودکان شکل نوشتاری واژه‌ها را از طریق خواندن، همراه با معنی به ذهن می‌سپارند (استانبرگ، ۱۹۳۱: ۱۴۵).

اهمیت مسئله‌ی تیرگی و شفافیت در این است که تیره شدن واژه‌های یک زبان دو نتیجه نامطلوب به دنبال خواهد داشت: از یک سو باعث زنگ خوردگی و فرسودگی ابزارهای واژه‌سازی در زبان می‌شود و به نوعی تنبلی ذهنی و مقاومت منفی در میان اهل زبان می‌انجامد که توأماً کار واژه‌سازی برای مفاهیم و پدیده‌های تازه را با دشواری مواجه می‌کند، و از سوی دیگر کار یادگیری واژه‌های زبان را مشکل‌تر می‌کند (باطنی، ۱۳۵۶: ۱۳۰).

از سوی دیگر هر چه قدر واژه شفاف باشد امر یادگیری مخصوصاً برای کودکان و خارجی‌هایی که علاقمند به یادگیری زبان فارسی باشند، آسانتر می‌شود.

موضوع پژوهش تیرگی و شفافیت معنایی و صرفی در کلمات غیربسیط از آن جهت اهمیت می‌یابد که میزان شفافیت و تیرگی در کلمات غیربسیط در زبان فارسی مشخص می‌شود و فرهنگستان و مترجمان زبان‌های گوناگون را قادر می‌سازد تا در امر واژه‌سازی و ترجمه نهایت دقت در گزینش کلمات را داشته باشند، تا مخاطب آنها در فهم دچار مشکل نشود (گندمی، ۱۳۸۰: ۶۸). اصطلاح دیگری هم که به این امر مربوط است اصطلاح و مفهوم تصویرگونگی است که بر اساس آن رابطه‌ی صورت و نقش ساخت‌های زبانی، تصویرگونه و طبیعی قلمداد می‌گردد.

۲-۱ پرسشهای پژوهش

- پژوهش حاضر به منظور پاسخ به پرسش‌های (الف) تا (پ) صورت گرفته است:
- الف- میزان شفافیت و تیرگی در سطح واژه‌های مشتق در زبان فارسی معیار چگونه است؟
- ب- میزان شفافیت و تیرگی در سطح واژه‌های مرکب در زبان فارسی معیار چگونه است؟
- پ- میزان شفافیت و تیرگی در سطح واژه‌های مشتق- مرکب در زبان فارسی معیار چگونه است؟

۳-۱ فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه‌های این پژوهش بر اساس سوالات مندرج در بند ۲-۱ به شرح زیراند:
- فرضیه اول: بسامد وقوع واژه‌های مشتقی که از تیرگی معنایی برخوردارند، نسبت به واژه‌های مشتقی که از شفافیت برخوردارند، بیشتر است.
- فرضیه دوم: بسامد وقوع واژه‌های مرکبی که از شفافیت معنایی برخوردارند، بیشتر از واژه‌های مرکب تیره است.
- فرضیه سوم: واژه‌های مشتق- مرکب شفاف نسبت به واژه‌های مشتق- مرکب تیره از بسامد وقوع بیشتری برخوردارند.

۴-۱ ضرورت انجام پژوهش و اهداف

پژوهش حاضر از آن رو اهمیت می‌یابد که توجه به شفافیت و تیرگی در واژه‌سازی به‌ویژه در ساخت آگاهانه‌ی آن به طوری که از سوی متخصصان و به‌ویژه فرهنگستان زبان صورت می‌گیرد، حائز اهمیت است؛ به بیان ساده‌تر، هرچه بر میزان تیرگی واژه‌ها در یک زبان افزوده شود یادگیری، به خاطر سپردن و انتقال معنی آن‌ها با دشواری بیشتری مواجه خواهد بود؛ بنابراین پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ی لازم را برای واژه‌سازی و معادل‌یابی برای واژه‌های دخیل در آینده فراهم آورد. از سوی دیگر، اهمیت موضوع پژوهش تیرگی و شفافیت معنایی در کلمات غیربسیط در این است که میزان شفافیت و تیرگی در کلمات غیربسیط در زبان فارسی مشخص می‌شود و فرهنگستان و مترجمان زبان‌های گوناگون را قادر می‌سازد که در امر واژه‌سازی و ترجمه در گزینش کلمات نهایت دقت را داشته باشند، تا مخاطب آن‌ها در فهم دچار مشکل نشود.

ضرورت واژه‌سازی و گزینش واژه‌های فارسی در برابر واژه‌های بیگانه سالهاست که مورد توجه ایرانیان قرار گرفته و این امر در سازمانهایی از قبیل فرهنگستان، ارتش، موسسات تحقیقاتی به طور گروهی و یا توسط نویسندگان و مترجمان به طور انفرادی صورت گرفته و همچنان ادامه دارد (کلباسی، ۱۳۷۱: ۱۱). پژوهش حاضر تلاشی است در جهت هموارتر کردن این راه. از سوی دیگر، موضوع پژوهش حاضر اگر چه موضوعی بدون پیشینه تلقی نمی‌گردد ولی به دلیل روشنگری که در زمینه‌ی واژه‌سازی به دست می‌دهد از اهمیت برخوردار است.

۱-۵ روش انجام پژوهش و قلمرو پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای است و عبارتست از استخراج نمونه‌هایی از کلمات غیربسیط (مشتق، مرکب و مشتق- مرکب) از فرهنگ دو جلدی سخن (۱۳۸۲) و سپس بررسی و مطالعه‌ی این کلمات بر اساس سوالهای پژوهش و در چارچوب فرضیه‌های پژوهش. پژوهش به لحاظ زمانی محدود است به فارسی جدید و گونه‌ی امروزی آن، و از نظر مکانی محدود است به گویشوران تهرانی با گویش معیار. قلمرو موضوعی پژوهش، بررسی کلمات غیربسیط (مشتق، مرکب و مشتق- مرکب) فارسی در حوزه‌ی معنی‌شناسی و صرف است.

۱-۶ روش و ابزار گردآوری داده‌ها

پیکره‌ی مورد بررسی این پژوهش برگرفته از فرهنگ دو جلدی سخن تالیف انوری (۱۳۸۲) است. پیکره‌ی مورد نظر شامل دو هزار و دویست و هشتاد و دو واژه غیربسیط است که بسامد وقوع این واژه‌ها به ترتیب عبارتند از: مرکب، مشتق- مرکب، مشتق. از این تعداد کلمه صد واژه به طور تصادفی انتخاب شده و طریقه‌ی انتخاب به این صورت بوده که کل واژه‌ها را از اعداد یک تا دو هزار و دویست و هشتاد و دو شماره‌گذاری کرده و صد عدد به طور تصادفی از مجموعه اعداد {۱, ۲, ..., ۲۲۸۲} بوسیله نرم‌افزار R (نرم‌افزار آماری) انتخاب و سپس واژه‌هایی که هم‌شماره‌ی اعداد انتخابی بودند به عنوان یک نمونه‌ی تصادفی صدتایی از دو هزار و دویست و هشتاد و دو

واژه برگزیده شدند. از صد واژه تصادفی، چهل و سه واژه مرکب، سی واژه مشتق-مرکب و بیست و هفت واژه مشتق هستند.

سپس با استفاده از نتایج تحقیقات موجود در این زمینه، الگوهای شفافیت و تیرگی معنایی و صرفی در کلمات مشتق، مرکب و مشتق-مرکب بررسی می‌شوند تا بتوان به نتایج قابل تعمیم دست یافت و در مرحله‌ی بعد فرضیه‌های پژوهش محک زده می‌شوند.

با داشتن ملاک‌هایی آزمون‌پذیر از ماهیت شفافیت و تیرگی معنایی در کلمات مشتق، مرکب و مشتق-مرکب، برخی زوایای مبهم واژه‌سازی در زبان فارسی مورد بررسی علمی قرار می‌گیرد.

۱-۷ جنبه نوآوری پژوهش و کاربردهای پژوهش

نوآوری پژوهش حاضر در این امر است که تاکنون پژوهشی چه در قالب مقاله یا پایان‌نامه صورت نگرفته است که به شکلی یکپارچه مسئله‌ی شفافیت و تیرگی معنایی را در سطح تمام واژه‌های غیربسیط در فارسی معیار مورد توجه قرار داده باشد. ماهیت تحقیق توصیفی و تحلیلی است و نتایج آن برای تحقیقات بعدی در حوزه‌های فرهنگ‌نویسی، زبان‌شناسی پیکره‌ای،^۱ معنی‌شناسی و صرف قابل استفاده است.

این پژوهش برای مطالعات گروه‌های آموزشی و پژوهشی زبان‌شناسی همگانی، زبان و ادبیات فارسی و متخصصان فرهنگ‌نویسی و واژه‌گزینی قابل استفاده است.

۱-۸ مفاهیم بنیادی

شفافیت معنایی^۲: مقصود از شفافیت معنایی ویژگی آن دسته از کلماتی است که از روی اجزای آنها بتوان به معنی آنها پی برد یا معنی آنها را حدس زد؛ به بیان دیگر، کلمات شفاف کلماتی هستند که معنی آنها کاملاً یا تا حدی از ظاهر آنها پیدا است، مانند ساعت مچی (باطنی، ۱۳۵۶: ۲۹).

^۱ corpus linguistics

^۲ semantic transparency

شفافیت معنایی زمانی مطرح است که معنی یک واحد واژگانی عبارت باشد از مجموع معانی عناصری که آن واحد را تشکیل می‌دهند، مانند شجره‌نامه (البرزی و رکی، ۲۰۱:۱۳۸۸).

در صرف، هر واژه در صورتی شفاف در نظر گرفته می‌شود که به روشنی قابل تجزیه به تکواژهای سازنده‌اش باشد و دانسته‌های ما، درباره‌ی تکواژهای حاضر در واژه برای تفسیر معنی واژه در بافت کفایت کند (بائر^۱، ۱۹۹۶:۱۹).

تیرگی معنایی^۲: اگر سخنگو نتواند اجزا ترکیب را به درستی شناسایی کند، در کنار هم قرار دهد و معنای هر یک از اجزا را بداند کلمه غیربسیط دارای تیرگی معنایی است؛ به عبارت دیگر، زمانی که نتوان معنی یک واحد واژگانی را از مجموع معانی عناصری که آن واحد را تشکیل می‌دهند، به دست آورد (باطنی، ۱۳۵۶:۳۰).

تیرگی معنایی زمانی مطرح است که نتوان معنی یک واحد واژگانی را از مجموع معانی عناصری که آن واحد را تشکیل می‌دهند، به دست آورد. به عبارت دیگر، حاصل همنشینی مفهوم عناصر تشکیل دهنده‌ی یک واحد واژگانی معنی آن واحد را به ذهن متبادر نسازد (بائر، ۱۹۹۶:۵۶).

واژه‌ی مشتق: کلمه‌ای است که ترکیب یک یا چند تکواژ آزاد با یک یا چند وند اشتقاقی ساخته شده است، مانند کوزه‌گر. در این مثال «کوزه» تکواژ آزاد و «گر» وند اشتقاقی است (کلباسی، ۱۳۷۱:۳۶).

واژه‌ی مشتق کلمه‌ای است که بیش از یک جزء (تکواژ) دارد و یکی از این تکواژها معنی دار و بقیه دارای نقش‌اند، به عبارت دیگر، بقیه «وند» هستند، مانند بی‌هوش، خطرناک. در این مثال‌ها «هوش، خطر» معنی دار و «بی، ناک» دارای نقش‌اند (علوی مقدم، ۱۳۸۸:۳۸).

انگیزش^۳: برخی از واژگان در هر زبانی را کلماتی تشکیل می‌دهند که ظاهر آنها القاکننده‌ی معنی‌شان است، یعنی رابطه‌ی لفظ و معنی رابطه‌ای ذاتی است و همه زبانها برای نامیدن پدیده خارجی واحد، کلمه‌ی واحد دارند، این خاصیت القایی را انگیزش می‌نامیم، مانند خش‌خش (صفوی، ۱۳۸۳:۲۵۳).

^۱L.Bauer
^۲semantic opacity
^۳motivation

واژه‌ی مرکب: کلمات مرکب از دو یا چند تکواژ آزاد ساخته شده‌اند، مانند نیکدل، کم کار (کلباسی، ۱۳۷۱:۳۵).

واژه‌های مرکب واژه‌هایی هستند که از دو یا چند تکواژ آزاد تشکیل شده‌اند؛ به عبارت دیگر، هر یک از اجزای کلمه‌ی مرکب معنی مستقل دارد و می‌تواند به تنهایی به کار رود، می‌توان گفت، کلمه‌ی مرکب از واژه‌های ساده تشکیل شده است: مانند، کتاب‌خانه، آهنگ‌ساز، میوه‌فروش (علوی مقدم، ۱۳۸۸:۶۱).

واژه‌ی مشتق- مرکب^۱: کلمه‌ای است که حداقل دو جزء معنی‌دار و علاوه بر آن یک، دو یا چند وند داشته باشد. به عبارت دیگر؛ حداقل دو تکواژ معنی‌دار و حداقل یک وند، لازمه ساخت کلمه مشتق- مرکب است، مانند دانشجو و جوان‌مردی که در این مثال‌ها «دان، جو، جوان، مرد» جزء معنی‌دار، و «ش، ی» وند هستند (همان: ۱۰۴).

اصل ترکیب‌پذیری معنایی^۲: این اصل بیان می‌دارد که معنای یک عبارت یا واحد مرکب تابعی از معنای اجزای آن با توجه به شیوه‌ای است که این اجزا با هم ترکیب شده‌اند (سبزواری، ۱۳۸۸:۱۱۸).

اصل ترکیب‌پذیری معنایی متشکل از مجموعه قواعدی است که باهم آبی و همنشینی واحدها را نسبت به یکدیگر محک می‌زند و برای رفع ابهام، تشخیص حشو معنایی، تشخیص تضاد معنایی و جزء آن کارآیی دارد، به عبارت دیگر؛ مجموعه‌ای از قواعد است که معنی واژه‌های قاموسی را با یکدیگر ترکیب می‌کند. به عنوان مثال، در زبان فارسی «تار» معنای متفاوتی دارد که در همنشینی‌هایی نظیر «تار عنکبوت»، «تیره‌وتار»، «تاروتنبور» نمود می‌یابد. در مثال «دیروز یک تار خریدم»، واژه‌ی «تار» را با «خریدم»، «دیروز» و «یک» بر اساس اصل ترکیب‌پذیری معنایی محک می‌زنند و مشخص می‌شود که در این جمله صرفاً «آلت موسیقی» برای «تار» در نظر گرفته شود.

^۱ derived-compound words

^۲ the principle of semantic compositionality

برای تشخیص حشو معنایی نیز از قواعد ترکیب‌پذیری معنایی استفاده می‌شود. به عنوان مثال، در جمله‌ی «این جنگل درختان را بین». همنشینی «جنگل» با «درختان» را با اصل ترکیب‌پذیری معنایی محک می‌زنند و مشخص می‌کنند که باهم‌آیی «جنگل» و «درختان» حشو است (صفوی، ۲۰۲:۱۳۸۳).

۱-۹ محدودیت‌های پژوهش

از جمله محدودیت‌هایی که انجام پژوهش حاضر با دشواری‌هایی مواجه کرد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کمبود منابع، مشخص نبودن چارچوب نظری و ادغام تیرگی و شفافیت صرفی و معنایی در پیشینه‌ی پژوهش.

فصل دوم:

پیشینه می پژوهش

۲-۱ مقدمه

مطالب این فصل در دو بخش ارائه می‌شود. بخش اول شامل نظرات زبان‌شناسان، ادبا و دست‌نویسان ایرانی در مورد شفافیت و تیرگی کلمات غیربسیط در زبان فارسی است، و در بخش دوم به ارائه نظرات چند تن از زبان‌شناسان غیرایرانی در مورد شفافیت و تیرگی معنایی می‌پردازیم. همانطور که مشاهده خواهد شد در بسیاری از این تحقیقات به شفافیت و تیرگی معنایی در حوزه های آوایی، صرفی و معنایی پرداخته شده است.

از جمله آثاری که به شفافیت و تیرگی معنایی در زبان فارسی می‌پردازد، مقاله باطنی (۱۳۵۶) تحت عنوان «کلمات تیره و شفاف، بحثی در معنی‌شناسی» و افراشی (۱۳۷۸) تحت عنوان «نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه‌های مرکب» در زبان فارسی هستند که کلمات مرکب را به لحاظ آوایی، صرفی و معنایی بررسی می‌کنند و داده‌های آنها تا حدود زیادی در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

۲-۲ پیشینه‌ی مطالعات درباره‌ی تیرگی و شفافیت در ایران

با وجود پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه‌ی تیرگی و شفافیت در کلمات مرکب در زبان فارسی به عمل آمده، هنوز هم نکات ناگفته‌ی فراوانی در باب تیرگی و شفافیت واژه‌های غیربسیط (مرکب، مشتق و مشتق-مرکب) وجود دارد که نیازمند بررسی و تحلیل تازه‌ای است. در این بخش، به دیدگاه‌های زبان‌شناسان ایرانی درباره‌ی تیرگی و شفافیت خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱ باطنی (۱۳۵۶)

باطنی (۱۳۵۶) در مقاله‌ای با عنوان «کلمات تیره و شفاف، بحثی در معنی‌شناسی» ابتدا به تعریف کلمات شفاف و تیره پرداخته است. وی اولین کسی است که در قالب مطالعات زبان‌شناختی ایرانی به این مسئله پرداخته است. مقصود از کلمات شفاف آن دسته از کلمات است که از روی صدا یا ساخت آنها بتوان به معنی آنها پی برد یا معنی آنها را حدس زد. برعکس، کلمات تیره به آن دسته از کلماتی گفته می‌شود که تلفظ یا ساخت آنها ردی برای شناختن معنی آنها به دست ندهد. به بیان دیگر، کلمات شفاف کلماتی هستند که معنی آنها کاملاً یا تا حدی از

ظاهر آنها پیدا است، درحالی که کلمات تیره، کلماتی هستند که این خاصیت را ندارند. وی بر پایه‌ی دو دیدگاه طبیعت‌گرایان و قراردادیون به کلمات تیره و شفاف می‌پردازد و در مورد کلمات از سه نوع انگیزش سخن می‌گوید که عبارتند از:

الف- انگیزش آوایی^۱: ویژگی آن دسته از کلماتی است که به آنها نام‌آوا می‌گویند، مانند: شرشر، غرغر، نق‌نق.

ب- انگیزش صرفی یا ساختی^۲: ویژگی کلماتی است که قابل تجزیه به اجزای سازنده‌شان هستند و صورت صرفی یا اشتقاقی آنها بیان‌کننده‌ی نقش آنهاست، مانند فروشنده، یخ‌شکن، نامه‌رسان.

وی معتقد است کلمات ترکیبی نیز که از به‌هم پیوستن دو کلمه یا بیشتر ساخته شده‌اند اغلب شفاف هستند، زیرا معنی آنها را از روی اجزایشان می‌توان حدس زد، مانند مسافرخانه، خوش‌لباس (باطنی، ۱۳۵۶: ۱۱۹). ولی بسیاری از کلمات ترکیبی نیز هستند که به علت فراموش شدن وجه تسمیه یا به سبب تغییرات آوایی، حالت شفاف بودن خود را از دست داده‌اند، مانند «چاروادار» که دیگر شفاف نیست، زیرا به علت تغییرات آوایی، عناصر سازنده‌ی آن که «چهارپادار» است موجودیت مستقل خود را از دست داده‌اند (همان: ۱۲۵).

باطنی در نتیجه‌ی بحث فوق عنوان می‌کند که اگرچه در اکثر موارد الگوهای ساخت واژه با معانی کاملاً مشخص ملازمه دارند به طوری که از روی ساخت، معنی کلمه را می‌توان دریافت؛ ولی رابطه‌ی یک به یک بین این دو در همه موارد وجود ندارد. از دیگر نکاتی که در مورد کلمات شفاف و تیره باید به آن توجه کرد، این است که واژه‌های قرضی اگرچه ممکن است در زبان قرض‌دهنده شفاف باشند اما برای مردمی که آنها را فرا می‌گیرند عموماً تیره و فاقد انگیزش ساختی‌اند.

میزان انگیزش ساختی در واژگان یک زبان از یک سو مربوط به امکاناتی است که ساختمان زبان در اختیار دارد و از سوی دیگر مربوط به میزان تمایل اهل زبان در بهره‌گیری از این امکانات است.

۱ phonetic motivation

۲ morphological motivation